

آثار ذاکر بودن بر تعالیٰ معنوی از دیدگاه علمای اخلاق با تأکید بر نظر

حضرت امام خمینی (رحمه الله)

زهرا طاهری، فائزه سادات موسوی، هانیبه مرادی *

چکیده

فطرت انسان با عشق به خداوند سرشته است. ذکر از یاد بردن غیرخداست و اهمیت بحث ذکر در این است که هدف از خلقت جهان هستی، عبادت و یاد پروردگار و رفع همه گرفتاری ها و مشکلات روحی انسان با ذکر خدا میسر می شود. از مهمترین راههایی که به انسان در رسیدن به تعالیٰ معنوی کمک می کند، ذاکر خداوند بودن است. مقاله حاضر با رویکردی توصیفی توضیحی و استفاده از منابع کتابخانه ای و با تأکید بر نظر امام خمینی (رحمت الله) به بررسی آثار ذاکر بودن بر تعالیٰ معنوی انسان از دید علمای اخلاق پرداخته است. ذکر الهی آثار بی شماری بر تعالیٰ معنوی انسان دارد و علمای اخلاق بالاخص امام خمینی رحمه الله به آن اشاره کرده اند. از جمله آثاری که ذاکر بودن بر تعالیٰ معنوی می گذارد، می توان به زنده شدن دل؛ آرامش و اطمینان دل، بصیرت یافتن، کلید سعادت، ایجاد انس و محبت خداوند در دل انسان، و ... اشاره کرد.

کلید واژه ها: ذاکر، آثار، تعالیٰ معنوی، امام خمینی (رحمه الله).

* دانش آموختگان سطح دو حوزه علمیه امام خمینی (رحمه الله)

مقدمه

ذکر در لغت به معنای یاد کردن و تذکر است و از آن به پاسخگویی ندای فطرت یاد می‌شود. زیرا فطرت انسان با عشق به خداوند سرشته است و از مهمترین راه‌هایی می‌باشد که در رسیدن انسان به تعالی معنوی کمک می‌کند. یکی از زیباترین جلوه‌های ارتباط عاشقانه با خدا و اساسی‌ترین راه‌های سیر و سلوک، ذکر است؛ ذکر خدا، از یاد بردن غیرخداست و ارزش هیچ چیز بالاتر از یاد خدا نیست. هدف از خلقت جهان هستی، عبادت پروردگار عالمیان است و آن چیزی جز زنده نگاه داشتن یاد خدا در زندگی افراد بشر نمی‌باشد.

اهمیت لزوم ذاکر خداوند بودن در این است که رفع همه گرفتاری‌ها و مشکلات روحی انسان در ذکر خدا نهفته است. ذکر و یاد خدا زمان و محل خاصی ندارد و قدری برایش تعیین نشده است. بشر باید همیشه در حضور پروردگار جهان یاد او را زنده نگاه دارد. ذاکر خداوند بودن حلاوتی دارد که خداوند به تناسب ظرفیت و قابلیت بندگان، از اثرات و نتایج آن، دل‌های مؤمنان را بهره‌مند می‌گرداند، و این اثرات و نتایج بر تعالی اخلاقی انسان اثر بسیار دارد.

ذکر الهی آثار بی شماری برای انسان به خصوص برای تعالی معنوی او در پی دارد که علمای اخلاق بالاخص امام خمینی رحمه الله آثار آن را ذکر کرده اند که از جمله آنها می‌توان به زنده شدن دل؛ آرامش قلب و ... اشاره کرد.

درباره بحث ذکر خداوند و آثار آن به صورت پراکنده در اکثر کتب اخلاقی مطالبی آمده است و در این کتاب‌ها در خلال فضایل اخلاقی درباره ذکر و فواید و آثار آن هم مطالبی بیان شده است؛ مانند کتاب‌های: احیاء علوم دین (اثر امام محمد غزالی)، معراج السعاده (اثر ملا احمد نراقی)، جامع السعادات (اثر محمد مهدی نراقی)، اخلاق در قرآن (اثر آیت الله ناصر مکارم شیرازی)، شرح حدیث جنود عقل و جهل (اثر امام خمینی رحمه الله) و که در این مقاله سعی بر این است آثار ذکر بر تعالی معنوی انسان از دیدگاه علمای اخلاق و با تکیه بر دیدگاه امام خمینی رحمه الله بررسی شود.

تحقیق پیشرو با رویکردی توصیفی توضیحی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و با تأکید بر
نظر امام خمینی (رحمت الله) به بررسی آثار ذاکر بودن بر تعالی معنوی انسان از دیدگاه علمای
اخلاق پرداخته و درصدد بیان آن است. امید تاثیر مطلوب را بر زندگی افراد بگذارد.

1- مفهوم شناسی ذکر

ذکر یاد کردن و بر زبان راندن، به معنای یاد، آوازه، حدیث، ثناء، دعا، ورد و جمع آن اذکار است. راغب می‌گوید: گاهی مراد از ذکر هیئت نفسانی است که شخص به واسطه آن می‌تواند آنچه از دانایی به دست آورده را حفظ کند و آن مانند حفظ است *إلا آنکه* حفظ به اعتبار نگهداشتن و ذکر به اعتبار حاضر کردن آن در ذهن است. و گاهی به حضور شیئی در قلب و همچنین بقول اطلاق می‌شود^۱

در لسان العرب آمده: «الذكر حفظ للشيء تذكراً و الذكر أيضاً: الشيء يجري على اللسان»^۲ صاحب کتاب التحقيق پس از نقل ماده ذکر و نقل اقوال لغویین پیرامون آن آورده «انّ الاصل الواحد في هذه الماده: «هُوَ التذكر في قبال الغفلة و النسيان، و هذالمعنى اعمّ من التذكر با لقلب او باللسان»^۳ ایشان اصل در ذکر را تذكّر و یاد کرد در مقابل غفلت و فراموشی می‌داند. با این بیان معنای ذکر اعم از معنای قلبی و لسانی است.

2- آثار ذاکر بودن بر تعالی معنوی

1-2- تهذیب نفس و پرورش فضائل اخلاقی

بزرگان اخلاق برای ذکر، مراتب و مراحل ذکر کرده‌اند و هر مرحله را دارای اثر معنوی بر روح انسان می‌دانند به طوری که هر چه ذکر با حضور قلب باشد تأثیرش بیشتر می‌شود:

در نخستین مرحله ذکر لفظی است که انسان نام خدا و اوصاف جلال و جمال او و اسماء حُسنایش را بر زبان جاری کند، بی آن که توجّهی به مفاهیم و محتوای آن داشته باشد؛ مانند بسیاری از نمازگزاران که بی‌توجّه به معانی نماز، الفاظی را بر زبان جاری می‌سازند.

1 - راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 328

2 - ابن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 308.

3 - مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج 3، ص 317.

درست است که این گونه ذکر، بی‌اثر نیست، چرا که اولاً مقدمه‌ای است برای رسیدن به مراحل بالاتر و ثانیاً همیشه با یک مفهوم و توجه اجمالی آمیخته است، زیرا شخص نمازگزار اجمالاً می‌داند رو به خدا ایستاده و برای خدا نماز می‌خواند، هرچند مفاهیم آن را به تفصیل نداند؛ ولی به یقین این ذکر کم ارزش است، و تأثیر چندانی در تربیت نفوس و تهذیب اخلاق ندارد.

در مرحله دوم ذکر معنوی است، و آن این است که انسان در حالی که مشغول ذکر لفظی است به معانی آن نیز توجه کند؛ بدیهی است که توجه به معانی و مفاهیم اذکار بویژه اگر متوجه تفاوت این مفاهیم و خصوصیت هر یک از آنها باشد، عمق بیشتری به ذکر می‌بخشد و آثار فزونتری در تربیت انسان دارد؛ و انسان با تداوم چنین ذکری آثار آن را در خود احساس می‌کند.

و در مرحله سوم ذکر قلبی است، و در تفسیر آن گفته‌اند: ذکر قلبی آن است که توجه به پروردگار، نخست از دل بجوشد، و سپس بر زبان جاری گردد؛ مثلاً، هنگام دقت و مطالعه در آثار خداوند در جهان آفرینش و مشاهده نظم عجیب کائنات و ظرافت فوق العاده آنان به یاد عظمت خدا افتد و بگوید: «الْعَظَمَةُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»؛ عظمت از آن خداوند یکتا و قاهر است! این ذکری است که از درون دل جوشیده و بیانگر حالتی در درون جان انسان است.

گاه انسان یک نوع حضور معنوی در جان خود مشاهده می‌کند، و بی آن که واسطه‌ای در میان باشد، به ذکر یاسُوحُ، یا قُدُّوسُ و یا اذکاری همچون سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مترنم می‌شود.

این اذکار قلبیه، تأثیر فوق العاده‌ای در تهذیب نفس و پرورش فضایل اخلاقی دارد، و همانند ذکر فرشتگان است که وقتی اعجوبه عالم آفرینش یعنی «آدم» را با علم وسیع و گسترده‌اش درباره اسماء الهی مشاهده کردند، عرضه داشتند: «سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»^۱؛ بار الها! منزهی تو، چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای نمی‌دانیم و تو دانا و حکیمی!^۲

1 - سوره بقره، آیه 32

2 - مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج 1، ص 362.

نتیجه گیری

با بررسی نوشته های علمای اخلاق و به خصوص امام خمینی رحمه الله درمی یابیم که ارزش هیچ چیز بالاتر از ذکر و یاد خدا نیست. و ذاکر خداوند بودن آثار بسیاری در زندگی انسان به خصوص در تعالی معنوی او می گذارد که با چیزی دیگر به آن نمی توان دست یافت.

ذاکر خداوند بودن است که باعث می شود خدای عزوجل هم انسان را یاد کند. تداوم بر ذکر خدا در همه شئون زندگی و توجه به دستورات الهی، انسان را از تزلزل و اضطراب رهانیده و قلب او را تسلیم محض خداوند کرده و تمام جاذبه های مادی و غیرخدایی را از دلش بیرون می کند و به قلبش بیداری، گشایش و آرامش و اطمینان و صفا می بخشد و گرد و غبار گناه را از دل انسان بیرون کرده و دل او را حرم امن خدا قرار می دهد.

ذاکر خداوند بودن حلاوتی دارد که از اثرات و نتایج آن، یافتن بصیرت و کلید سعادت و کمال است، با عنایت به اینکه خود شخص نیز باید بر ذکر خداوند استمرار داشته باشد تا قابل دریافت این نتایج گردد. گرچه لفظ ذکر اعم از ذکر باطنی و لفظی است، اما ذکر قلبی و باطنی است که آثار معنوی عالی در پی دارد به طوری که شخص دارای حالات روحانی و معنوی می گردد و دایم خداوند را در نظر دارد و می داند که پروردگار متعال بر اعمالش ناظر است و با هر یاد کردن از خداوند خداوند نیز او را یاد می کند و با مداومت بر ذکر خداوند قلب او سرشار از محبت خداوند شده و دلش با این محبت انس گرفته و باطنش مصفا و سینه اش گشوده می گردد.

امید آنکه خداوند ما را در ردیف ذاکرین حقیقی قرار دهد. و تا پایان عمر از آثار معنوی ذکر خدا و یاد خدا بهره مند شویم.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

1. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صار، بی تا.
2. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت دارالشامیه، 1416 ق.
3. حسن حسن زاده آملی، انه الحق، قم، انتشارات قیام، اول، 1373
4. خمینی، روح الله تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1391.

5. خمینی، روح الله، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بیست و دوم، 1394
6. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1373 ش.
7. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1373 ش.
8. غزالی، احیاء العلوم الدین، چ 2، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به اهتمام حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
9. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی، دفتر نشر فرهنگ اهل البیت.
10. مجله پاسدار اسلام، آبان ماه 1387، شماره 8.
11. مدرسی، سید محمد تقی، دعا معراج مومنین و راه زندگی، انتشارات محبان الحسین، بی جا، اول، 1379.
12. مصطفوی، حسن، التحقيق فی الكلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
13. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، 1384.
14. _____، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام چاپ اول، 1377.
15. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، امیرکبیر، 1371.
16. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات رشیدی، 1362.
17. نراقی، مهدی، جامع السعادات، تهران، حکمت، چاپ چهارم، 1377 هـ.ش.
18. راغب اصفهانی، محمد بن حسین. مفردات الفاظ قرآن. ترجمه سید غلامرضا حسینی. چاپ سوم. تهران: انتشارات مرتضوی، 1383.
19. ابن فارس، ابوالحسین احمد. (1404ق.). معجم مقاییس اللغه. بی جا: مکتب الاعلام الإسلامی.

20. تفلیسی، ابوالفضل حبیش بن ابراهیم. (1371). وجوه قرآن. به اهتمام مهدی محقق. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

21. حرّ عاملی، محمد بن الحسین. (1396ق.). وسائل الشیعه. تهران: مکتبه الإسلامیه.

22. دهخدا، علی اکبر. (بی تا). لغتنامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

23. طباطبائی، محمدحسین. (1370). المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.

24. عمید، حسن. (1380). فرهنگ فارسی عمید. چاپ بیستم. تهران: انتشارات امیر کبیر.

25. قرضاوی، یوسف. (1378). سیمای صابران در قرآن. ترجمه و تحقیق محمدعلی لسانی فشارکی. چاپ دوم. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

26. قریشی، سید علی اکبر. (1371). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دارالکتاب الإسلامیه.

27. مشکینی، علی. (1360). «اخلاق در اسلام». ماهنامه پاسدار اسلام. شماره 2. بهمن ماه. صص 4-6.

28. مطهری، مرتضی. (1364). گفتارهای معنوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات صدرا.

29. _____. (1372). انسان کامل. چاپ هشتم. تهران: انتشارات صدرا.

30. _____. (1374). الف. آشنایی با قرآن. تهران: انتشارات صدرا.

31. _____. (1374). ب. مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.

32. _____. (1378). بیست گفتار. چاپ بیست و هفتم. تهران: انتشارات صدرا.

33. مصباح یزدی، محمدتقی. (1376). راهیان کوی دوست. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

34. _____. (1383). الف. به سوی او. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

35. _____ . (1383). ب. ره توشه. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی (ره).

36. _____ . (1383). ج. پندهای امام صادق (علیه السلام) به رهجویان صادق. چاپ

چهارم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

37. _____ . (1382). یاد او. چاپ اول. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره).

38. مکارم شیرازی، ناصر. (1370). تفسیر نمونه. چاپ هشتم. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

39. محمدی ری شهری، محمد. (1384). منتخب میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. چاپ

سوم. قم: چاپ و نشر دارالحديث.

40. مغنیه، محمدجواد. (1383). الکاشف. ترجمه موسی دانش. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.

41. مجلسی، محمدباقر. (1386ق.). بحار الأنوار. تهران: مکتبه الاسلامیه